

علم اصول الفقہ

۲۱

۱-۸-۸۹ پیدایش علم اصول

دراسات الاستاذ:
مهدی الهادی الطهرانی

عظمت شیخ، اصلی ترین عامل رکود

- عوامل رکود شیعه :
- ۱- عظمت شیخ طوسی،
- ۲- جوان و بی-تجربه بودن حوزه‌ی نجف،
- ۳- نبودن افراد برجسته در دوره‌ی بعد از رحلت شیخ طوسی،
- ۴- فشار شدید بر شیعیان در اوایل دوره‌ی سلجوقی و ظهور دولت اسماعیلی در ایران،
- اما اصلی ترین و عمده‌ترین عامل، خود شیخ طوسی بود.

نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- دیدیم شیخ طوسی و سید مرتضی همزمان، در صد طرحی نو و جامع برای اصول بودند و هر یک دیدگاه‌های خویش را مطرح کردند.

نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- با وجود مشترکات اصولی، در مسأله‌ی حجیت خبر واحد، تفاوت بسیار فاحش بین نظرات این دو اصولی بزرگ وجود دارد: سید مرتضی اصرار بر عدم حجیت دارد و ادعای اجماع می‌کند و شیخ طوسی اصرار بر حجیت خبر واحد دارد و در مورد آن ادعای اجماع می‌کند. سید در درسش اصرار بر عدم حجیت خبر واحد دارد و آن را در ذریعه می‌نویسد، شیخ پای درس استاد اصرار بر عدم حجیت خبر واحد دارد و آن را در عده می‌نویسد.

نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- همین نقطه نظرات مستقل شیخ، نشانگر صاحب رأی بودن او در عین شاگردی سید است. شیخ جوان، پا به پای استاد خویش به طرح اندیشه-هایی مستقل می پردازد.

نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- بعد از شیخ، نظر شیخ مقبول می‌افتد. حوزه‌ی نجف با حفظ اندیشه‌ی شیخ طوسی یک قرن زعامت و مرجعیت شیعه را بر عهده می‌گیرد. نوع کسانی که در این دوران به مرجعیت رسیده‌اند، فرزندان و نوادگان شیخ طوسی هستند. همان گونه که قبلاً هم گفتیم، اولین مرجع بعد از شیخ، فرزند او ملقب به مفید ثانی است و بعد از او تا صد سال مرجعیت همچنان در بیت شیخ طوسی است.

نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- وضعیت خیلی از این شخصیت‌ها، کاملاً مشخص نیست. برخی به ذکر بعضی از آنها پرداخته‌اند. مرحوم سید محسن امین در آنجا که زندگی شیخ طوسی را بیان می‌کند، اشاره‌ای نیز به جمله‌ای از یکی از علمای اهل سنت در مورد یکی از نوادگان شیخ طوسی دارد. آن عالم سنی گفته است: اگر صلوات بر غیر پیغمبر جایز بود، بر این شخصیت - نوهی شیخ طوسی - صلوات می‌فرستادم.

نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- علمای بعد از این فتره، از این فتره با دوران تقلید یاد می‌کنند. از جمله‌ی این علما، سدید الدین محمود حمصی از اهالی حمص سوریه است. وی از کسانی می‌باشد که دوران رکود را دیده‌اند. آن گونه که شهید ثانی از قول سید بن طاووس در کتاب «البهجة لثمرة المهجة» و وی از جدش ورام بن ابی فراس نقل می‌کند، حمصی می‌گوید: لم یبق للامامیه مفت علی التحقيق بل کلهم حاک [برای امامیه مجتهدی باقی نمانده است، همه کسانی که هستند مقلد و ناقلند].

نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- مراد از مقلد بودن علما در این دوره، این نیست که آنها اصلاً مجتهد نبودند. آنها به ادله و فتوای شیخ نگاه می‌کردند و آنها را تام و کامل می‌یافتند. از این روی همان گونه که شیخ فتوا می‌داد، آنها هم فتوا می‌دادند. بنابراین آنها به یک معنایی مجتهد بودند. از استدلال‌های شیخ در مسأله آگاه بودند؛ اما در مقابل آن ادله و استدلال‌ها نظر جدیدی نداشتند.

نگاهی کوتاه به صد سال رکود

- منافاتی ندارد که یک نفر مجتهد باشد، در عین حال فتوایش با مجتهد دیگر یکی باشد و به همان چیزی عمل کند که مجتهد دیگر عمل می‌کند و دلایلی را بپذیرد که مجتهد دیگر می‌پذیرد. به چنین شخصی مقلد نمی‌گویند. اگر حمصی و علمای دیگر، آنها را مقلد می‌نامند، از آن روست که نوآور نبودند، دیدگاه‌های تازه‌ای نداشتند و آنچه را شیخ گفته بود، تکرار می‌کردند. آنها به این معنا مجتهد نبودند.

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- ابن ادریس و ابن زهره
- بعد از صد سال، رکود در حوزه‌ی شیعه شکسته می‌شود و دوباره جریان علمی آغاز می‌گردد. در بین علما معروف است شخصیتی که رکود را در حوزه‌ی شیعه شکست و اولین فریاد مخالف را برآورد، محمد بن احمد بن ادریس عجلی است که در سال ۵۴۳ هجری در شهر حله به دنیا آمد، و در سال ۵۹۸ هـ. ق وفات یافت.*
- *ر.ک: سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، ص ۷۲؛ سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۶۰؛ سید محمد کاظم روحانی، تاریخ علم اصول، ص ۹۶.

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- در حالی که اولین شخصیت، سید بن زهره است. وی هم در اصول و هم در فقه آرایبی در مقابل شیخ طوسی دارد. سید بن زهره در حلب در سال ۵۱۱ هـ. ق (یعنی حدوداً ۵۰ سال بعد از شیخ طوسی) متولد و در همانجا در سال ۵۸۵ هـ. ق وفات یافت.*
- *از آنجا که ابن ادریس جوان بوده است، قاعدتاً فاصله‌ی تولد این دو عالم زیاد است. اما در مورد وفات، شهید صدر تفاوت سال وفات این دو عالم را، نوزده سال ذکر کرده است. در حالی که با توجه به آنچه در متن نقل کردیم، این تفاوت سیزده سال است. شاید منبع شهید صدر در این زمینه متفاوت باشد.

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- گفته‌اند ابن ادریس از شاگردان سید ابو المکارم ابن زهره بوده است، اما از تعبیراتی که ابن ادریس در کتاب ودیعه «سرائر» از ابن زهره دارد، چنین برمی‌آید که صرفاً معاصر وی بوده و او را ملاقات کرده است و در برخی مسائل فقهی میان آنها مکاتباتی رد و بدل شده است.

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- البته احتمال دارد سدید الدین محمود حمصی که ذکری از آن در قبل گذشت، بر سید بن زهره نیز مقدم باشد. وی به عنوان یکی از نویسندگان علم اصول که در این زمینه کتاب داشته، مطرح است؛ ولی ما نشانی از کتاب او و خصوصیت آن نیافتیم. وی از اهالی حمص سوریه است؛ همان گونه که سید بن زهره از اهالی حلب است. بنابراین ظاهراً نقد اندیشه‌های شیخ طوسی و آغاز حیات تازه‌ی بحث‌های اصولی در شیعه از منطقه‌ی سوریه‌ی فعلی یعنی حلب و حمص می‌باشد و توسط ابن ادریس در حله پی گرفته شده است.

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- دو چیز می‌تواند علت شاخص بودن ابن ادریس، به عنوان اولین شخص شکننده‌ی رکود صد ساله باشد:

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- ا. برخورد ابن ادریس با شیخ طوسی یک برخورد تهاجمی و تعابیر او تند و توهین آمیز و هتاکانه است. مثلاً در مورد تهذیب شیخ می‌گوید: شیخ هر چه گیرش آمده از ریز و درشت، با ارزش و بی‌ارزش در کتاب حدیثی خود آورده است. ابن ادریس در مذمت و طعن‌های شیخ، بر عجم بودن و عرب نبودن او تأکید می‌کند.

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- او هر چند خود از نوادگان دختری شیخ است، اما خیلی تند تعبیر می‌کند که شیخ عجم چنین گفته... ابن ادریس به نوع کتاب‌های شیخ حمله می‌کند و آنها را مورد نقد قرار می‌دهد و تنها کتابی که با تجلیل و عظمت یاد می‌کند، کتاب تبیان شیخ در تفسیر است.

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- بحث‌های ابن ادریس در نقد تفکر شیخ بیشتر بحث‌های جنجالی و صریحاً متوجه شیخ طوسی است و گویا از قدیم این بحث‌ها بیشتر پا می‌گرفته است .

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- بر خورد سید بن زهره این گونه نیست. تعابیر او متین، منطقی و علمی است. به صورت علمی، اظهار نظر و نقد می‌کند. وی در تألیف مستقل اصولی خود، دیدگاه‌های شیخ را مورد نقد قرار می‌دهد؛ ولی به نام شیخ اشاره‌ای نمی‌کند. حتی آنجا که به صراحت به مخالفت با شیخ طوسی می‌پردازد، فقط محتوای مطالب شیخ را ذکر می‌کند و آنها را نقد می‌نماید؛ اما نامی از شیخ طوسی نمی‌برد.*
- * به طور مثال ابن زهره با دیدگاه شیخ مبنی بر دلالت امر بر فور یا اقتضای نهی از معامله بر فاسد بودن آن، به مخالفت بر می‌خیزد؛ اما نامی از او نمی‌برد چه رسد که توهینی به او نماید. ر.ک: سید بن زهره، غنیة النزوع، ص ۴۶۵، سطر ۳۲ و ص ۴۶۸، سطر ۴ (ضمن جوامع الفقهیة).

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- همین نحوه‌ی برخورد تند ابن ادریس که تیر تعابیر خود را مستقیماً متوجه شیخ می‌نمود، دلیل مطرح شدن او به عنوان شاخص این دوره است. دیگران فقط نظر شیخ را مطرح می‌کردند و می‌گفتند چنین نظری وجود دارد، اما احتراماً نامی از صاحب نظر نمی‌بردند. بعد به رد و نقد آن نظر می‌پرداختند. اما ابن ادریس صریحاً به مخالفت می‌پردازد.

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- البته نباید از این نکته نیز غافل شد که ظهور شخصیتی مثل ابن ادریس که بتواند با شیخ طوسی در افتد و واضح و آشکار آرای او را نقد کند، نیازمند زمینه‌هایی بوده است. کسانی مثل ابن زهره و احتمالاً شخصیتی مثل سدید الدین محمود حمصی و شاید دیگرانی که نتوانستیم در نشانه‌های تاریخی اثری از آنها بیابیم، وجود داشتند که فقدان مجتهد و فتوا دهنده در حوزه‌ی شیعه را احساس نمودند و از این که شیعه به فتاوی شیخ طوسی اکتفا می‌کند، ناراحت بودند.

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- این زمینه‌ها در کنار قابلیت‌های شخصی خود ابن ادریس نقش مهمی در شکسته شدن رکود در تفکر شیعی و پیدایش نشاط علمی و حیات تازه در حوزه‌ی شیعی دارد.

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- اما در توجیه نحوه‌ی برخورد ابن ادریس می‌توانیم بگوییم: ابن ادریس می‌دانسته برای این که بخواهد جو اکتفا به آرای شیخ را بشکند، باید خیلی به ساحت شیخ هجوم بیاورد. او به عظمت شیخ توجه داشته و برای وادار کردن دیگران به طرح اندیشه‌های تازه، چاره‌ای جز این کار نمی‌دیده است.

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- ب. ابن ادریس در حله‌ی عراق است. حله یک شهر شیعه نشین می‌باشد که در قرن پنجم هجری تأسیس می‌گردد* . این شهر نزدیک نجف است و بعد از ابن ادریس با وجود علمایی مثل محقق حلی، علامه حلی، و فخر المحققین به یکی از مهم‌ترین حوزه‌های شیعه، بلکه به مهم‌ترین حوزه‌ی شیعه در دوران خودش، تبدیل می‌گردد.
- * مؤسس این شهر در سال ۵۰۱ هـ ق به دلیل اتهام به باطنی‌گری و منسوب بودن به فرقه‌ی اسماعیلی کشته می‌شود.

فصل چهارم: بازگشت نشاط علمی به حوزه‌ی شیعی

- تفکر شیعی حیات خویش را در جایی ادامه می‌دهد که ابن ادریس در آنجا است. در حالی که ابن زهره تمامی عمر خود را در حلب سوریه که فاقد حوزه‌ی شیعی مهم است، می‌گذراند و حوزه‌ی درسی خویش را در آنجا بر پا می‌کند. از این روی آرای ابن زهره چندان شناخته نمی‌شود و بر اثر توجه بیشتر به ابن ادریس، وی به عنوان اولین شخصیت مخالف معرفی می‌گردد.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- ممیزه و مشخصه‌ی مشترک بین ابن ادریس و سید بن زهره، بازگشت هر دوی آنها به مبانی سید مرتضی است. آنها با احیای دیدگاه سید مرتضی، در مقابل شیخ طوسی قد علم می‌کنند. آن دیدگاهی که مهم است و روی آن تأکید دارند، مسأله‌ی حجیت خبر واحد است. ابن ادریس و سید بن زهره همانند سید مرتضی معتقدند که خبر واحد حجت نیست.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- سید بن زهره در کتاب مهم خویش، غنیه، فصلی را که خود به منزله‌ی یک کتاب است، به اصول اختصاص داده و یک دوره اصول را مطرح کرده است. یک پنجم ابتدای غنیه در مورد اصول و چهار پنجم بقیه مربوط به فقه است. وی از آنجا که مباحثی مستقل در اصول دارد، به همه‌ی دیدگاه‌ها و استدلال‌های اصولی شیخ می‌پردازد و آنها را نقد می‌نماید. ترتیب بحث‌های اصولی او، ترتیبی است که سید مرتضی اتخاذ کرده است. یعنی مباحث اخبار بعد از مباحث الفاظ و تقریباً در آخر قسمت اصول کتابش قرار دارد.

بازگشت به مبانی سید مرتضی

- اثر ابن ادریس، یعنی سرائر، فقط در فقه است؛ اگر چه مبانی اصولی خویش را در لابه-لای بحث‌های فقهی خویش مطرح نموده است. ابن ادریس در نقد آرای شیخ فقط به بحث حجیت خبر واحد پرداخته و مباحث دیگر شیخ را نقل و نقد ننموده است.